

# ۲۰ دی گرامی باد

در نبرد نهضت ملی ایران هر يك از واحدهای اجتماعی جای خاص خود دارند نیروی دانش آموزی از ارزنده ترین واحدهای این نبرد مقدس است. دانش آموز با قدرت احساس و ایمان شگرف خویش در سیاهترین روزهای پس از کودتا این ارزندگی را با ثبات رسانیده است.

۲۰ دی ۱۳۲۸ یکی از این روزهاست. در آن سیاهی و در آن خاموشی مرگبار ۲۰ دی صاعقه ای بود و دشان، تاریکی برای يك لحظه از بین رفت و انسانها در پرتو آن دیدند که هنوز زندگی هست هنوز پشت دیوارهای سنگی، در قعر سیاه چال زندان و در مسیر جاده گسترده آینده دلیران گمنامی هستند که پای می فشردند و آرزوی آزادی را بر حله عمل می کشانند.

۲۰ دی مظهر اتحاد ناگسستی نسلی است از ملتی عصیان زده نیروی دانش آموز يك نیروی گداخته و فعال است. می تواند سازنده و آفریننده باشد و هست در صفوت متحد جبهه ملی ایران، در سنگر نهضت و نجات بخش ملت رودر روی هر دشمنی خواه چکمه پوش های نیزه بدست و خواه خواجه صفت های سر سپرده خواهد ایستاد و قهرمانانه خواهد جنگید.

## دانش آموز: رزم تو پیروز و آرمان تو بر آورده باد

از کتاب «نکاهی بتاريخ جهان» اثر نهری

### «انقلاب زنده باد»

... امروز موقمی که خواستم نامه ام را برایت آغاز کنم صداهای ضعیف و مبهمی که به غرش يك رعد دوردست شبیه بود بگوشم رسید. ابتدا نمیتوانستم بفهمم که این صداها چیست. اما طنین آنها برایم آشنا بود و انکار انمکاس آنها را در قلب خودم میشنیدم. بتدریج این صداها نزدیک و نزدیکتر میشد و بر قدرتش افزوده میگشت. بزودی دیگر برایم تردید نمانده بود که آن صداها چیست.

مردمی فریاد میکشیدند: «انقلاب زنده باد». زندان از این فریادهای مبارزه جویانه بتکان می آمد و دلپای ما از شنیدن آن شادمان شده بود. نمیدانستم چه کسانی بودند که این فریاد جنگی و شعار مبارزه ما را باین نزدیکی در خارج زندان فریاد میکشیدند آیا آنها زن بودند یا مرد؟ اهالی شهر بودند یا دهقانان روستاها؟ همچنین نمیدانستم که امروز به چه مناسبت چنین تظاهراتی صورت گرفت اما آنها هر کس که بودند ما را شادمان ساختند و ما به سلام آنها پاسخ خاموشی فرستادیم که با آرزوهای نیک و امید پیروزی مان همراه بود.

چرا ما باید فریاد بکشیم که «انقلاب زنده باد» چرا ما باید خواستار انقلاب و تغییر باشیم؟ مسلما هند امروز خواهان يك تغییر بزرگ است. اما حتی پس از آنکه تغییر بزرگی که ما خواهان آن هستیم فرا رسد و هند آزاد شود ما باز هم نمیتوانیم ساکت و آرام بمانیم. بقیه در صفحه ۴

### بلندگوی استعمار اطلاعات

استعمار همچنان در تکاپو است، و تصور میکند که می تواند جوانان ما را از راه پرافتخاری که در پیش گرفته اند منحرف نماید. ورق پارم اطلاعات و کرسی باصلاح آزاد آن در این میان نقش اساسی را بعهده دارند. و معلوم نیست با سانسور شدید مطبوعات که حق درج کلمه ای را جع به جبهه ملی راندارند چگونه يك روزنامه عسر میتواند همه چیز را بمیل خود بنویسد. آیا جز سازمان امنیت و استعمار پشتیبانی دارد؟ و مطالبش جز دلخواه آنان میتواند باشد.

نسل جوان ما با تحریم روزنامه ننگین اطلاعات و متعلقات آن مشت محکمی بدهان عوامل استعمار در کشور ما میزند.

## دو فرمان و...

پس از آنکه افتضاحاتی که بنام انتخابات انجام شده بود کوس رسوائیش بر سر هر کوی و بامی زده شده و هیئت حا که مجبور شده به عمر چنین مجلس ننگینی پایان دهد ملت انتظار داشت که در متن فرمان تاریخ انتخابات جدید نیز درج شده باشد زیرا همان اصلی که باستناد آن مجلس منحل می شد لزوم درج تاریخ قطعی انتخابات بعدی را یاد آوری میکردید ولی در این فرمان تاریخ شروع انتخابات بعدی ذکر نشد و فقط آن بقیه در صفحه ۴

## کنگره بین المللی دانشجویان در پاریس - تلگراف کمیته دانشگاه

### استعمار

مفهوم جدید استعمار حفظ فاصله میان کشورهای استعمار زده و استعمار گراست. انحصارات جهانی کوشش میکنند ملل مستعمره را به شکل در بند نگاهدارند و بمصرف کنندگان دائمی کالایشان بدل سازند.

استعمار میخواهد مردم کشورهای مستعمره پیشرفشان در حدی باشد که فاصله ابدی آنها با سرزمین های سرمایه داری محفوظ بماند و بصورت «خریداران خوب» زانده اقتصاد توفیقی و پیشرو آنان باشند.

با بیای ترفی فنی و صنعتی آنان امکانات مصرفی اینها تنزافز و تر شود فی المثل خریداران رادیو با تولید فراوان تلویزیون باید قادر و راغب بخرید آن شوند.

«کشورهای توسعه نیافته» مصرف کنندگان ابدی سازندگان کالاهای گوناگونی هستند که در سرزمینهای «پیشرفته» ساخته میشود.

برنامه های چند ساله «عمرانی» نقشه های گوناگون - کودتاها - حکومت های بظاهر اصلاح طلب همه برای این بوجود می آیند که فاصله میان «ممالک عقب مانده» و «پیشرفته» پرنشود. پیشرفت صنایع کلید «میوه ممنوعه» برای مردم سرزمین های «کم توسعه یافته است» اینست مفهوم جدید استعمار: فاصله درشکه و اتومبیل - اتومبیل و جت و موشک و گاه گاه درشکه و موشک.

«برنامه عمرانی» و «نولیدی»؟! باردیکروسوداگران سرشناس بتنظیم نقشه های بقیه در صفحه ۲

# نشریه شام دانشجو

ارگان کمیته دانشجویان دانشگاه تهران  
وابسته به تبصره ملی ایران

پنجشنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۴۰ قیمت ۲۵۰

### نهضت و نقش دشمن

ایدن در کتاب خاطرش مدهی است تنها شبی را که آورده خفته شبی بوده که خانه مصدق از شلیک توپهای کودتاچیان این وابستگان استانهای استعماری غرق در آتش بوده، ایدن حق داشت زیرا بخوبی واقف بود که بدون درهم شکستن نهضت ملی ایران و در بند کشیدن مظهر بحق آن دکتر مصدق غارت و چپاول منابع ملی ایران ممکن نیست بنابراین این مسله که چگونه میشود نهضت را درهم شکست برای انگلستان مطرح میشود. بدون شك همانطور که در ادوار مختلف اشکال مبارزه برای مبارزین راه آزادی و دشمنان استعمار دستخوش دگرگونی و تطور میشود و متناسب با زمان رنگ و شکل تازه میپذیرد همانطور که روش مبارزه منفی ملت هند در دورانهای گذشته تبدیل بمبارزه مسلحانه علیه استعمار گشته است به همین گونه استعمار هم برای درهم کوبیدن نهضتها بقیه در صفحه ۲

کنگره بین المللی دانشجویان که نماینده ۱۸ میلیون دانشجو در کشورهای مختلف امریکا، اروپا، آسیا و امریکا است از ۲ تا ۵ ژانویه ۱۹۶۲ در شهر پاریس تشکیل جلسه داد.

از طرف سازمان دانشجویان ایرانی مقیم امریکا وابسته بجبهه ملی آقایان فاطمی و اردلان و از طرف کنفرانس بین المللی دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای اروپا وابسته بجبهه ملی نمایندگان با آنجا معرفی شدند و از آنجا که بعلمت عدم آزادی اعزام نماینده های از طرف دانشجویان دانشگاه تهران بکنگره فوق ممکن نبود کمیته دانشگاه به نمایندگان سازمان دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و نیز اروپا نمایندگی داد تا از طرف دانشجویان دانشگاه تهران اقدام لازم بعمل آورده و نظریات این سازمان را در کنگره بین المللی بقیه در صفحه ۲

### اخبار

## وزیر خود فروخته فرهنگ دانش آموزان را اخراج میکند

در این هفته سازمان جوانان جبهه ملی ایران با انتشار اعلامیه مستدلی فاش ساخت که گروهی از دانش آموزان آزاده دارالفنون وسیله متصدیان غیر قانونی و نو کرسفت وزارت فرهنگ از دبیرستان اخراج و از تحصیل محروم شده اند.

وزارت فرهنگ دیرزمانیست میکوشد تاجنیش فرهنگیان را نابود سازد و بیبانه های گوناگون دبیران بقیه در صفحه ۳

رامنوط به اصلاح قانون انتخابات کرد و حال آنکه صادر کنندگان فرمان در همان موقع خوب می دانستند که هیچ کجای قانون اجازه چنین کاری را به هیچکس نداده است.

ملتی که انتظار داشت پس از انحلال مجلس بایک انتخابات آزاد و قانونی نمایندگان خویش را رای مجلس بفرستد. ملتی که انتظار داشت با فرستادن نمایندگان حقیقی خود حکومتی ناشی از اراده خود را بوجود آورد و آنچه را که قانون حقوق طبیعی و اصلی او شمرده است اعمال کند در پاسخ انتظار خود چنین فرمانی دریافت داشت. فرمانی که در آن از اعمال حقوق او خبری نبود.

انتظار میرفت که امینی .. امینی که از دیرباز شناخته نشده است و سابق او آنچه آن آشکار است که نیازی به گفتن ندارد باراده ملت... و فرمان قانونی که بعنوان تنها پدیده قاطع مشروطیت باقی مانده است کردن بگذارد و برای یکبار هم شده است قدمی در راه موازین و اصول قانون بردارد. ولی این انتظار مثل همه مواقع دیگر بر نیامد.

بپایه آنها که هیئت حاکمه عنوان می کرده این بود که مصالح ملت بالاتر از قانون است.

ولی گویا فراموش شده بود که در شرایط فعلی تنه مصالح ملت خود قانون و نیاز ملت اجرای قانون است قانونی که اگر اجرای شاد امروز کار در این بن بست است کیجک کننده نمی افتاد و همه را انگشت بدهان و حیران نگه نمی داشت.

اگر قانون اجرامی شد بر طبق آن همه دزدها از بالای بالانا پائین پائین بیای میز محاکمه کشیده می شدند.

خائنین به منافع ملت پاسخ دعوی خویش را دریافت می داشتند و در آن صورت بود که باید کتر امینی مانند صدها کس دیگر می نشست و کیفر خیانت عظیم خود را در امضای قرارداد کنسرسیوم چون داغ تنگی به پیشانی می گرفت اگر قانون اجرامی شد بر طبق آن شاه سلطنت می کرد نه حکومت، از دخالت مستقیم در امور خودداری می شد و جریانها مسیر عادی و قانونی خود را طی می کرد دیگر نیازی نبود که مسائل بعدی عنوان شود و خراب را خرابتر سازد.

اگر قانون اجرامی شد و یک انتخابات قانونی بر طبق همین قانون که دیوان عالی کشور تصریح کرده است میتوان خامن یک انتخابات صحیح باشد انجام می گرفت دیگر نیازی نبود که هیئت حاکمه هر روز نقشی تازه پدید آورد و راههای تازه جهت سرگردانی مردم انتخاب کند. ولی هیچکس باین مسائل توجهی نداشت. آنچه در اس مسائل قرار می گرفت این بود که هیئت حاکمه باید به رفیقت در اس کار باقی بماند و این مستلزم پشتیبانی قاطع سیاست هائی بود که بعلت منافعی که در این سرزمین داشته و دارند تا با امروز از آن پشتیبانی کرده اند.

نکته جالب اینست که خودشان هم در همه حال متوجه بوده اند که در این ملت را با زیادهای هیئت حاکمه دوامی کند.

فقر عمومی، شکم گرسنه و یاپای برهنه را این دلفک بازیها پاسخگو نیست

اقتصاد و رشکته را نطق های چندین ساعته از ورشکستگی نجات نمیدهد و آزادی را که باید بماند تادر سایه آن موجودیت ملت انسجام اسیل خویش را باز یابد و بدینگونه نمیتوان از دست ملت بود.

آقای دکتر امینی خود اعلام کردند که وارث

یک اقتصاد ورشکسته اند و اگر وضعیت موجود در روشن کنند همه از وحشت قالب تهی خواهند کرد گویا بازم فراموش شده بود ملت نیاز بشرح درد ندارد و نیاز به مردمان قاطع و سریم را احساس می کنند در همه حال سخن از ملت بود ولی نه دکتر امینی به این «ملت» توجهی داشت و نه مقامات دیگر آنچه را که بایستی و قانونا موظف بآنجام آن بودند به مرحله عمل نزدیک کردند

و سر انجام روزی رسید که «فرمان» جدیدی صادر شد این فرمان که می توانست نمودار انجام یک

دانشجویان اعلام نمایند و نیز تلگرافی بزبان انگلیسی بکنگره مخابره نمود که متن آن ذیلا ترجمه میشود: خواهش داریم بهترین آرزوهای دانشجویان دانشگاه تهران را به دوستان دانشجوی ما که از کشورهای مختلف در پاریس باین مناسبت مهم گرد آمده اند برسانید و بهمین ترتیب وحدت منافع و مشمولیت مشترک کامل ما را بآنها ابلاغ نمایید چه فقدان آزادی مانع از شرکت کامل ما میشود و بدینوسیله علائق خود را بشرکت در چنین کنگره ای ابراز و در اولین فرصتی که وضع اجازه داد کوشش خواهیم نمود که بتوانیم شرکت نماییم. در تعقیب این تلگراف نامه نیز خواهیم فرستاد.

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران

بقیه استعمار

دورودراز برای تاراج هر چه بیشتر سرمایه منی پرداخته اند. سومین برنامه چند سانه در دست تهیه است تا بدنبال دو برنامه گذشته نتیجه رنج ها و منابع ملی را تقدیم انحصارات بیگانه کند.

برنامه هفت ساله اول و دوم با دعای هیات حاکمه « برنامه های عمرانی » بود نه « تولیدی »

و پس از حیف و میل چندین میلیارد تومان « بلوار الیزابت دوم » - باغچه، چراغهای فلورسنت کوتاه و بلند، ساختمانهای عظیم و هتل های نیمه تمام ارمغان آورد. اشکال کار اینجاست که چرا بجای برنامه های عمرانی برنامه های تولیدی اجرا نمیشود.

در عالم لاف و کزاف در جهان دروغزنی و ادعا هم از نام « تولید » هراسانند تا « اربابان را خوش آید . »

وظیفه باشد میتواند نمودار آن باشد که بحقایق موجود توجه شده است نمودار مسئله دیگری شد.

نمودار این شد که از آن تاریخ به بعد مجلس و مشروطه باید بدست فراموشی سپرده شود از این تاریخ به بعد باید ملت آنچه را که بیهای خون آرزنده ترین مردان این سرزمین بدست آمده است از خاطر ببرد و دگر گونی آغاز شد انقلاب و دموکراسی از کجا ...؟

دمو کراسی از ده... و انجام دهنده چنین منشوری نیز دکتر امینی شد اجرا کننده چنین فرمانی هیئت دولتی شد که در آن المونی عضو حزب توده، ارستجانی پادوی حکومت قوام و درخشش لوث کننده خون معلم و بهنئای مختلس در آن عضویت داشتند بازم یک چیزی فراموش شده بود

آن روزی که کنسول روس در محله امیر خیز تبریز پدیدار مردی بنام ستارخان رفت و او را از پایداری در مقابل قشون روس که از استبداد دفاع میکرد بر حذر داشت، ستارخان در حالی که لوله تفنگش را از دود باروت پاک می کرد آنچه جواب دندان شکنی داد که کنسول روس گداخته از شرم و خاموشی او را ترك گفت از آن تاریخ خیلی نمی گذرد هنوز پیداد محمدعلیشاه از خاطر نرفته است و هنوز ملت فراموش نکرده است که اگر اراده فردی حکومت نمی کرد امیر کبیر می توانست نقطه عطف و دوره فترت زندگی این ملت گردد.

بس کنید... این خیمه شب بازیهاست این دلقک بازیها و خوشرفی ها در مقابل ارباب. نمی تواند عمر شمارا افزون سازد.

فرمان تاریخ و با اراده ملت اراده ای که قانون اساسی حکومت را ناشی از آن شناخته است زمان این کارها برآمده است شما از چهارچوب قوانین کلی بیرون نیستید و نمی توانید باشید.

این فریاد ملتی است همیان زده و جان بر لب آمده این فریاد ملتی است که می خواهد نمایندگان حقیقی خود را بمجلس بفرستد و از این طریق حکومت ناشی از اراده ملت را مستقر سازد زیرا این جمله ایست از قانون اساسی «حکومت ناشی از اراده ملت است»

بمنظور ادامه چپاول و غارت روشی متناسب با زمان اتخاذ میکنند. در زمان گذشته بهترین طریق برای سرکوب ملتها استفاده از ناوگان بریتانیا و فروریختن گلوله های توپ بر سر مردم بود و بدین ترتیب بفریاد حق طلبانه مردم کشور های استعمار زده خاتمه داده میشد. اما زمان ما زمان مرگ این فلدربهاست زیرا عصر ما عصر کهنوت و مرگ استعمار است عصر ما عصر آزادی مردم عصر استقلال، عصر اتحاد و همبستگی همه ملت های اسیر است زمان ما زمان تحویل هر گونه اعمال زور به زبانه دان تاریخ است. این بار استعمار با حربه حیل و تزویر بمیدان آمد. برخلاف گذشته ضرورت ایجاب میکرد که مبارزه اصلی بانهضت ملی ایران وسیله ایادی داخلی استعمار صورت گیرد یعنی گرگ به لبای میش در آید و خنجرهای زهر آلود نقش نیشترهای شفا بخش را بازی کنند. دشمنان داخلی نهضت

ملی ایران بدو دسته تقسیم میشدند دسته اول گروهی بودند که وابستگی آنها با سیاست های خارجی آنچنان روشن بود و نزد ملت چنان رسوا بودند که مسئولین و مامورین خارجی کودتا از ذکر نام و طریقه همکاری آنها با خودشان خودداری نکردند (رجوع کنید بمقاله نیشن درباره نقش سازمان امنیت امریکا در کودتای ۲۸ مرداد) حساب ملت با این دسته روشن بوده و هست اینها آشکارا منافع ملت ایران را در قبال پر کردن کیسه های پر نشدنیشان فروخته اند اینها دشمنان سوگند خورده منافع ملی ما هستند ملت ایران این در یوزه گران اجنبی را خوب میشناسد و در عین اینکه با آنها تصفیه حساب نمایی خواهد نمود برای همیشه بر پیشانی این خائنین داغ ننگ کوبیده است. نتیجه گیری استعمار از کوشش ایادی نامبرده بسیار اندک بود زیرا همانطور که ذکر شد آنها دشمنان شناخته شده و بدون ماسک ملت ایران بودند به بارت دیگر کاملا در صف دشمن علیه مردم به توطئه میپرداختند در این زمان کشور ما همانند دژی بود که دشمن میکوشید دیوارهای آن را فروریزد و سردار پیرو آزموده آنرا بزنجیر کشد و همه امیدها را بهرمان تبدیل کند.

استعمار با بدست آوردن تجاربی چون سی تیر درک کرده بود که از بیرون امکان غلبه در موجود نیست و با بسیار ناچیز است و زمان آن رسیده است که در داخل نهضت به توطئه پرداخت. در اینجا نقش گروه دوم آغاز میشود. ملت و مصدق خطا اصلی مبارزه را شناخته بودند و بشکلی جدائی ناپذیر میکوشیدند تا درخت کندیده استعمار را که ماوای تمام کرم های داخلی بود از جای برکنند. مصدق همانند رهبری آزموده و خردمند دریافته بود که با وجود پایگاههای استعمار در داخل کشور هر گونه اصلاح داخلی با شعر بر معنی زیر مصداق میباشد.

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایران است بدین سبب میکوشید تا نظر همه مبارزین راه آزادی را بطرف خطرناکترین سنگری یعنی شرکت سابق و غاصب نفت معطوف کند مصدق قصد داشت خانه را از «پای بست» محکم کند و سپس بمرمت ایوان آن پردازد بهمین دلیل استعمار وی را بمنزله آگاه ترین و سرسخت ترین دشمن میشناخت.

نقش دسته دوم دشمنان ملت این بود که نظر عامه را از اصلی ترین و حیاتی ترین نقطه مبارزه منحرف کرده مردم را با تعمیرات و تزئینات داخلی خانه خانه ای که پی های آن را موریا نه های استعمار خورده بود سرگرم کنند. اینها میکوشیدند تا ملت را به نزاع های داخلی مشغول کنند تا دشمن امکان یابد سنگین ترین ضربه را وارد کند. چنین کردند و نتیجه گرفتند دشمن مسلط و آنها سلطه دشمن را جشن گرفتند و جشن گرفتند در حالیکه پیروزیهای ملت و خانه مصدق میسوخت

شرافتمند و دانش آموزان مطلع و میهن دوست را از تحرك باز داشته و ایشانرا تبدیل بعناصری جامد و میان تهی سازد و نیز مراکز فرهنگی را که هریک سنگری برای آزادگان است به گورستانی دلخواه دیکتاتورها مبدل کند .

خود فروختگانی که بیهای پایمال ساختن خون معلم مقاماتی را اشغال کرده اند سعی میکنند جوانان را بقول خود چشم و گوش بسته و مطیع بار آورند و بخصوص از سرایت «بیماری» بگفته ایشان «خطرناک» وطن دوستی و آزادگی دانشجویان به دانش آموزان پیشگیری کنند ! تا مبادا جوانان دانش آموز از استعمار بدشان آید و مبادا حقوق و آزادی های قانونی خود را بطلبند !

بخيال خود میخواهند کاری کنند که نسل جوان ایران شور و حرکت خود را از دست بدهد میخواهند جوان ایرانی را با مشتى کلمات میان تهی از پیمودن راهی که تاریخ و شرف معین ساخته است باز دارند نسل سرنوشت آفرین وطن رابه توده ستایشگر مردك های آلت دست استعمار بدل سازند .

هنوز نیاموخته اند جوان ایرانی چه دانشجوی - چه دانش آموز - چه کارگر - چه دهقان - هر قدر بیشتر تازیانه های قهر و خشم استعمار را بچشد بیدار دل تر خواهد شد و در راه شرف و وطن پایدارتر خواهد کردید .

کجاست آن جوانی که وجدانش اجازه دهد تسلیم سفلیگانی بی آرمز چون امینی و نوکرش درخشش و مامورین سبب سازمان امنیت شود . نه تنها با این توطئه ها و تهدیدات خواهران و برادران دانش آموز ما تسلیم نخواهند شد سهل است این فشارها آتش خشم مقدشانرا فروزانتر خواهد ساخت و سینه هایمان را از کینه دشمنان ملت لبریز تر خواهد نمود .

پیوند جوانان ایران در همه جهان ناگسستی است . هر ستمی که بدانش آموزان رسد رنجی است بر ما .

دانشجویان دانشگاه تهران اعلام میدارند امروز نیز چون همیشه از خواهران و برادران دانش آموز که مردانه در برابر تهی مغزان خود باخته ایستاده اند پشتیبانی میکنند .

از صدر تا ذیل هیات حاکمه بدانند دلیران دارالفنون تنها نیستند همه دانشجویان و همه جوانان و همه دبیران و آموزگاران شرافتمند همراهمرزم ایشانند .

دانشگاه تهران آماده است تا هر اقدامی را که برای بازگردانیدن دانش آموزان بکلاس های درس لازم باشد انجام دهد .

درد و بسازمان جوانان جبهه ملی ایران سنگر پرافتخار جوانان ایران . موفق باد پیکار خواهران و برادران دانش آموز .

افتخار بدانش آموزان دلیر دارالفنون بیشقراولان نهضت دانش آموزان ایران .

### ۱۶ آذر در آبادان و دخالت مقامات خارجی

مخبرین پیام دانشجو درباره جریان تظاهرات ۱۶ آذر و اخبار وقایع مربوط بان در آبادان گزارشی برای ما ارسال داشته اند که ذیلا برای خوانندگان کرامی منعکس میشود .

علیرغم تشیبات مقامات شرکت ملی نفت تظاهرات ۱۶ آذر در آبادان بر کزار شد و این امر سبب خشم آنها گردید و برای انتقام جوئی دوتن از دانشجویان را از دانشکده اخراج کردند و رئیس امریکائی دانشکده با صدور اعلامیه ای دانشجویان را از کارهای سیاسی منع نمود که با اعتراض شدید و یکپارچه دانشجویان مدیر تعویض و دانشجویان بدانشکده عودت داده شدند .

از روز دوازدهم آذر که مقدمات تظاهرات ۱۶ آذر در دانشکده فنی آبادان تهیه میشد مقامات

شرکت ملی نفت بشکاپو افتاده و خواستند با ارباب و تهدید و اخراج دانشجویان مانع از اجرای تظاهرات و برنامه ۱۶ آذر دانشجویان دانشکده فنی نفت آبادان گردند .

ولی علیرغم تشیبات شکست خورده و مفتضحانه آنها صبح روز پنجشنبه دانشجویان متفقا با در دست داشتن پلاکارتها از محل شبانه روزی بحالت دموستراسیون بطرف دانشکده رهسپار شده و در قسمت مرکزی دانشکده در حالیکه پلیس دانشکده را محاصره نموده بود اجتماع کردند و در بریزش باران شدید برنامه ۱۶ آذر خود را بمدت یکساعت اجرا ساختند و بحالت دموستراسیون با همان ترتیب بمحل اولیه بازگشتند . و لازم بتذکر است که برای روز ۱۶ آذر محل شبانه روزی دانشجویان نیز در محاصره قوای انتظامی قرار داشته است .

این اقدامات دانشجویی و مسالمت آمیز دانشجویان سبب برانگیخته شدن مقامات شرکت نفت شده و پس از برگزاری مراسم ۱۶ آذر دانشجویان را شدیداً تحت فشار و مضیقه گذاشتند و با انواع وسائل بانتهام جوئی پرداختند . تا بآنجا که دوتن از دانشجویان را از دانشکده اخراج ساختند و بی شرمی بحدی بود که رئیس امریکائی دانشکده اعلامیه ای صادر و منتشر ساخت و طی آن دانشجویان را از شرکت در فعالیت های سیاسی ممنوع و آنها را در صورت اقدام تهدید باخراج نمود .

در اعلامیه مذکور رسماً و علناً حق فعالیت های سیاسی از دانشجویان سلب شده بود و سریحاً نوشته بود : ماهیچ نوع جنبش و فعالیت و واقعه سیاسی را از طرف دانشجویان که با برنامه درسی آنها تداخل کند برسمیت نمیشناسیم و نمیتوانیم تحمل کنیم و در جای دیگر اعلامیه که با امضای مستر کراسن کفیل ریاست دانشکده بود میگوید که «تمام اینگونه اقدامات دانشجویان زادنشکده باید تنظیم و تصویب و اداره نماید و در صورت تخلف سبب اخراج آنها از دانشکده خواهد شد.»

این اقدامات ضد دانشجویی و دخالت بی جای رئیس خارجی دانشکده در امور داخلی کشور و نقض حقوق دانشجویان سبب تنفر و انزجار شدید دانشجویان شد و اولیاء امور با مقاومت شدید و یکپارچه دانشجویان روبرو شدند . دانشجویان میگفتند ما اجازه نمی دهیم که یک نفر خارجی در امور سیاسی ما مداخله کند و باید دوستان اخراجی ما بدانشکده عودت داده شوند . و با مقاومت و اعتراضات شدید و پی گیر خود توانستند اقدامات و توطئه های ضد دانشجویی شرکت ملی نفت را عودم بگذارند . و آنها را مجبور به تعویض رئیس امریکائی و عودت دودانشجو اخراج شده بدانشکده بنمیتند .

پیام دانشجو - مانیز بنوبه خود نئفرشدید خود را از اقدامات ضد دانشجویی مقامات شرکت ملی نفت و اعمال خلاف قانون و دخالت های ناروای رئیس امریکائی دانشکده اعلام و موفقیت دانشجویان را در اقدامات ملیشان از خداوند مسالت می نمائیم .

#### کمیته جبهه ملی استان دهم

از تشکیلات کل جبهه ملی خبر میدهند که کمیته جبهه ملی استان دهم انتخاب شده و رسماً شروع بکار نموده است . و بعد از آذربایجان و خراسان اصفهان سومین استانی است که کمیته جبهه ملی آن رسماً انتخاب و شروع بکار کرده است . در شهرستانهای دیگر کمیته های طرفدار جبهه ملی فعالیت دارند .

#### کنسرسیونم کارگران را اخراج میکنند

اخیراً کنسرسیونم نفت در جنوب شروع باخراج دسته جمعی و خلاف قانون کارگران زحمتکش ما کرده است . این اقدام خلاف قانون مورد اعتراض شدید همه کارگران نفت واقع شده و بانتشار اعلامیه ای مبادرت کرده و شدیداً بیان اقدامات ضد ملی و غیر قانونی اعتراض کرده اند . در این اعلامیه خطاب به کارگران متذکر شده کنسرسیونم نفت در آبادان از اول سال تا نوبه اول آبان ۱۳۴۰ تعداد ۱۲۵۰ نفر از همکاران شما را برخلاف اصول انسانیت و قوانین موجود بین المللی اخراج کرده و در نظر دارد تا

دوسال دیگر ۲۰۰۰ نفر از برادران کارگرو ۲۰۰۰ نفر از همکاران کازمند شما را بیکار کند و برای آنکه باین عملا یلید خود جنبه قانونی بدهد درخواستهای مخصوصی چاپ کرده و بزور با مضاعف کارگر میرسانند و اگر کارگری از جریان مطلع بود و از امضاء آن خودداری کرد او را تحویل سازمان امنیت میدهد تا با تهدید و شکنجه و بالاخره تبعید شرش را از سر اربابان نفتی کم کند . و از کارگران درخواست نموده تا در مقابل این توطئه ضد ملی متحداً و یکپارچه اقدام کنند و متذکر شده که این اوراق در خواست خاتمه خدمت که بزور با مضاعف کارگران میرسانند چون خودشان چاپ کرده اند در هر محکمه ای بجز نیت ریاکارانه و ناپاک آنها چیز دیگری را ثابت نخواهد کرد . از شما آقای امینی می پرسیم که اخراج کارگران زحمتکش نفت بدون مجوز قانونی و بی خانمان کردن طبقات رنجبر ملت ما هم از جمله مواد قرارداد کنسرسیونم است . و هر کس می تواند برای منافع بیشتر جیب های خود با زندگی کارگران و زحمتکشان ما بازی کند . ما اعتراض خود را باین اقدام ضد انسانی و ضد ملی اعلام داشته و همه جانبه پشتیبانی خود را از کارگران زحمتکش نفت اعلام می داریم و آقای امینی این هم سند و برک دیگری است که بر پرونده سیاه و کثیف شما در نزد ملت ما اضافه میشود که شما جان و مال رنجبران ما را مثل ابزار و آلات نفت در اختیار بیگانگان گذاشته اید .

### خبری از کمیته حزب مردم اصفهان

بطوریکه کسب اطلاع کرده ایم عده ای از افراد شبکه مکشوفه حزب توده اصفهان عضو حزب مردم رهبری امیر اسداله خان علم بوده اند و در کمیته آن حزب (که البته همه میداند جز کمیته چیزی ندارد) عضویت داشته اند . این اعضای وفادار حزب امیر - اسداله خان که در عین حال عضو حزب توده هم بوده اند و در اثر شکنجه و آزار ماموران درنده خوی سازمان امنیت مجبور شده اند در رادیو و تلویزیون دولتی مدعی ارتباط با جبهه ملی شوند عیار تنداز :  
۱ - حیدر علی صالحی از کارخانه پشمیاف  
۲ - قاسم علی براتی « « پشمیاف  
۳ - قلی استکی « « وطن

و چند تن دیگر اکنون از آقای دکتر امینی شایعه ساز بزرگ معاصر می پرسیم که : چرا در ضمن آقا بربری که برای آقایان نوشته شده و بدستشان داده شده بهیچوجه از حزب آقای علم نامی بمیان نیلمده است چطور است که آقای علم و کمیته حزب مرحوم ایشان در اصفهان که در بست در اختیار حزب توده قرار داشته با حزب توده و ایادی بیکانه ارتباط ندارند اما جبهه ملی ایران را متهم می کنند که با حزب توده رابطه دارد ؟ آقای امینی باید توجه کنند و برای همیشه بدانند که با این اراجیف و مهملات ملت ایران از مبارزه اصیل خود دست برنخواهد داشت و شایعه سازان و افترا زنندگان رسوا را رسواتر خواهد کرد .

برای خوش خدمتی بدیکتاتورها  
فرزندان ملت را از تحصیل  
محروم نکنید

## بقیه انقلاب زنده باد

در يك دنياى زنده هيچ چيز نمیتواند تغير ناپذير باقى بماند .

سراسر طبيعت روزبروز و دقيقه بدقيقه عوض ميشود و تغير مى پذيرد . فقط مرده ها هستند كه رشد نميكنند و ساكن و بيحركت ميباشند . آب تاوقتي كه جارى و درحركت است تازه و پاك ميماند . اگر آنرا متوقف سازيم كم كم فاسد و كنديده ميشود . زندگى انسان و زندگى يك ملت نيز چنين است . اما چه بخواهيم و چه نخواهيم پير ميشويم . كودكان شيرخوار ، دختران كوچكى ميشوند . دختران كوچك بدخترهاى بزرگ و زنان بالغ و عاقبت هم به زنانى پير مبدل ميگردند .

ما بايد خودمان را با اين تغييرات همراه سازيم اما كسان بسيارى هم هستند كه نميخواهند پذيرند و قبول كنند كه دنيا در تغير است . آنها فكر خود را بسته و مغزشان را قفل شده نگاه ميدارند و اجازه نميدهند كه هيچ تصور تازه اى در آنها راه يابد . هيچ چيز با اندازه فكر كردن آنها را متوحش نميسازد . نتيجه اين وضع چيست ؟ نتيجه آنست كه دنيا بر خلاف ميل آنها حركت ميكند و پيش ميرود و چون آنها و كسانى مانند آنها خودشان را با شرايط متغير آن همراه و منطبق نميسازند گام بگام انفجارهاى روى ميدهد و انقلابات شديدى نظير انقلاب كبير فرانسه كه يكصد و چهل سال پيش روى داد و انقلاب بزرگ روسيه كه سيزده سال پيش در گرفت پيش مى آيد . حتى ما امروز در كشور خودمان در جريان يك انقلاب هستم .

بديهى است كه ما استقلال و آزادى ميخواهيم اما در واقع ما خواهان چيزى پيش از آن ميباشم ، ما ميخواهيم تمام استخراى گنديده سابق را پاكيزه و مصفا كنيم و در همه جا آبهائى تازه و پاك را جارى سازيم .

ما بايد كرد و غبار فقر و تيره روزى را از كشورمان برداريم ، همچنين ما بايد تا آنجا كه ميتوانيم تارهاى عنكبوت و غبار كهنگى را از افكار مردمان بسيارى كه گرفتار آن هستند پاك كنم زيرا همين تارهاى عنكبوت و كثافات كهنگى است كه آنها را از فكر كردن و همكارى كردن در راه وظيفه بزرگى كه در پيش داريم باز ميدارد . اين يك كار بزرگى است و احتمال دارد كه وقت فراوانى هم لازم داشته باشد اما ما بايد هر قدر ميتوانيم آنرا بجلو برانيم و تسريع كنيم ، پس «انقلاب زنده باد» .

ما در آستانه انقلاب خودمان قرار داريم . از حالان ميتوان گفت كه آينده براى ما چه چيز ببار خواهد آورد . اما از هم اكنون سرزمين كشورخويش را براى كشت آينده بخوبى شخم زده ايم .

مى بينى كه زنان هند با چه غرورى در مبارزه كنوانى پيشاپيش همه قرار گرفته اند ! مى بينى كه آنها چگونه عالى و باشاهت و در عين حال دلير و تسليم نشدنى قدم به پيش ميگذارند و جلوتر از ديگران قرار ميگيرند .

همچنين كودكان ما را به بين . پسران و دختران جوان ، «وارنار سنا» (۱) و (۲) ها و «بال سابهيا» و «باليكاسابهيا» را به بين . ممكن است پدران و مادران بسيارى از اين كودكان در سابق با ترس و لرز و همچون غلامان زندگى كرده باشند اما چه كسى تصور ميكند كه

## نخستين كنگره جبهه ملي ايران

### در اروپا

نخستين كنگره جبهه ملي ايران - علمى - رسمى دشوارىهاى موجود با شركت نمايتندگان برگزيده كميته هاى جبهه ملي فرانسه - سوئيس - شهرهاى وين - گراتس - آخن اشوتكارت - برانشويك - برلن غربى - دوسلدرف - فرانكفورت - كارلسروهه - كيل - كيس - مانيس - مونيج - هانور - باعظمت و جلال تمام در روزهاى ۱۷ تا ۱۹ آذرماه ۱۳۴۰ در شهر اشنو - تكارت برگزار گرديد .

كنگره پس از بررسى هاى عميق مسائل سياسى زمان قطعنامه زير را بتصويب رساند .

۱- ما آزادى دكتر مصدت رهبر و راهنماى خردمند نيروهاى جنگنده ملي و سبيل اراده ملت را خواهانيم .

۲- جبهه ملي ايران مظهر اراده تزلزل ناپذير ملت ايران و تنها وارث سنتهاى آزادىخواهانه و پر افتخار نهضت مشروطيت و ادامه دهنده جنبشهاى مترقى ملت ايران در نيم قرن گذشته و يگانه سازمان سياسى دمكراتيك و پيشرو كشور ايران - راه كشاور الهام بخش رستاخيز استعمارى ملتهاى زندجير شده است .

۳- ما نسبت بتعميق انتخابات مجلس شورى ملي و اجازه وضع قوانين جديد بدولت از طرف شاه كه برخلاف نص صريح قانون اساسى است شديد اعتراض ميكنيم .

۵- ما عدم آزادى مطبوعات و احزاب ملي را محكوم ميكنيم .

۶- ما تنفر شديد خود را از روش نيرنگ آميز و خائنانانه هيئت حاكمه در نشر اكاذيب و اتهامات

كودكان نسل ما هم غلامى و بندگى را پذيرند يا از چيزى بترسند ؟ بدنيقار چرخ و فلك تغير و تحولات در گردش است و همه چيز را زير و رو مي سازد . كسانى كه پائين بودند بالا مى آيند و كسانى كه بالا بودند پائين ميروند در واقع بنا بر اقتضاي طبيعت وقت آن فرا رسيده بود كه در كشور ما هم اين چرخ بحركت در آيد . اما ما آنرا چنان بجلو رانده ايم و بحركت آورده ايم كه ديگر هيچ كس نميتواند آنرا متوقف سازد .

### «انقلاب زنده باد»

۱- در متن انگليسى كتاب هم عنوان اين نامه عينا همين عبارت فارسى مى باشد زيرا مردم هند عينا همين كلمات فارسى را بكار مى بردند و اين عبارت شعار دوران مبارزات استقلال طلبانه هند بود .

۲- و انار سنا نام موجودات كوچك افسانه اى است كه در مبارزات مردم كمك مي كردند و كودكان هند در دوران مبارزه باين نام ناميده ميشدند . آن دو كلمه ديگر هم نام سازمانهاى دختران و پسران هند است .

## دانشجویان با تمام قوا از برادران دانش آموز خود پشتیبانی میکنند

بیشرمانه و دروغین که بمنظور کمراه نمودن افکار عمومی جهان انجام میگیرد ابراز داشته و اعلام میداریم که جبهه ملی ایران دارای سیاست مستقل ایرانی است و سیاست های استعماری سرخ و سیاه را محکوم میکنیم .

۷- ما مصوبات مجالس فرمایشی پسران کودتای ننگین ۲۸ مرداد را غیرقانونی دانسته و بفرمان ملت مسئولین خائن را بعنوان ناقضین قانون اساسی کیفر خواهیم داد .

۸- ما بنام ملت ایران دكتر امینی عاقد قرار داد كنسرسیوم و ناقص مواد ۴۸ و ۲۵ قانون اساسی مربوط به تعطیل مشروطیت و استقرار بخارجی را شدیداً محكوم ميكنيم .

سلام رزمندگان سنكر جبهه ملي ايران بصدق فرمان پيشواى خردمند ملت ما .

موفق باد شوروى مركزى جبهه ملي ايران در رهبرى مبارزات خستگى ناپذير ملت ما .

درد بدلاوران دانشگاههاى ايران پيشاهنگان مبارزات جبهه ملي .

پيروز باد نيروى شكست ناپذير وضداستعمارى ملت مادر صفوف مستحکم جبهه ملي ايران .

## تحصيل علوم و معارف و صنايع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

اصل هيچدهم متمم قانون اساسى .

۱- هر كس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود .

ماده بيست و ششم اعلاميه جهاني حقوق بشر .

« كرسى آزاد » اطلاعات نقش ديگرى از سياستهاى استعمارى در ايران است كه توسط

بلندگوى مزدور و نو كر ۳۰ ساله بيگانگان «اطلاعات» در ايران بازى ميشود . و از نظر ما

همچون همه دامها استعمار بر اى نسل جوان محكوم و مطر وداست .